

شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی (یک مطالعه کیفی)

مهدی قزلسفلو^۱، رضوان السادات جزایری^۲، فاطمه بهرامی^۳، رحمت‌الله محمدی^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۷

هدف: هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی بود. **روش:** این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، تعداد ۱۰ زوج در این مطالعه شرکت کردند. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق استفاده شد. **یافته‌ها:** بعد از تحلیل محتوای داده‌ها، سه مقوله اصلی شایستگی زوجی، شایستگی فردی و عوامل زمینه‌ای شناسایی شدند. شایستگی زوجی دارای ۱۲ مقوله فرعی بود که عبارتند از: دلگرمی و اطمینان بخشی، اصالت، مدیریت تعارض‌ها، نگرش شوخ طبعانه، هماهنگی و مشورت، شفافیت نقش‌ها، شبکه اجتماعی، پشتیبانی و همراهی، صداقت، متصور شدن آینده‌ای برای رابطه، تلاش برای برقراری ارتباط و ارائه یادآوری‌های ملموس؛ و شایستگی فردی دارای ۴ مقوله فرعی: الگوگیری از خانواده اصلی، تجارب خانواده اصلی، اعتقادات و ارزش‌های مذهبی و معنوی، نگرش مثبت به ازدواج؛ و عوامل زمینه‌ای شامل یک مقوله فرعی با عنوان ویژگی‌های جمعیت شناختی بود. **نتیجه‌گیری:** افزایش تعهد زناشویی و پایداری ازدواج، مستلزم به دست آوردن و داشتن مهارت‌ها در هر سه حوزه است و با توجه به نقش هر حوزه می‌توان با ساخت بسته آموزشی مبتنی بر این عوامل باعث بهبود تعهد زناشویی شد.

واژه‌های کلیدی: تعهد زناشویی، شایستگی زوجی، شایستگی فردی، عوامل زمینه‌ای

۱. (نویسنده مسئول)، استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و ورزشی، دانشگاه گنبد کاووس. گنبد کاووس، ایران. m.ghezselfloo@gonbad.ac.ir
۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۳. استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۴. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

تعهد به عنوان یکی از عوامل حیاتی در رشد و ثبات روابط شخصی، مشخص شده است و به تفسیر این که چرا بعضی روابط پایان می‌یابند و بعضی دیگر نه کمک می‌کند (آدامز و جونز^۱، ۱۹۹۹؛ به نقل از ویجل و بالارد و رسش^۲، ۲۰۱۲). در پژوهش ولس و جانسون^۳ (۲۰۰۳) ۸۳٪ افراد شرکت‌کننده، علت اصلی طلاق خود را نبود تعهد در رابطه زناشویی خود اعلام کردند. در یک زمینه‌یابی تلفنی که از ۲۳۰۰ نفر از ساکنان اوکلاهاما^۴ که طلاق گرفته بودند، پرسیده شد چه چیز موجب طلاق آن‌ها شده است؟ از ۱۰ عامل معرفی شده ۸۵ درصد آن‌ها فقدان تعهد و ۵۸ درصد خیانت یا روابط فرزند زناشویی که رابطه نزدیکی با فقدان تعهد دارد را دلیل عمده برای طلاق خود دانسته‌اند (استنلی^۵، ۲۰۰۵).

کلمنس و سونسن^۶ (۲۰۰۰؛ به نقل از لامبرت و دولاهیت^۷، ۲۰۰۸) تعهد به همسر را قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی زناشویی می‌دانند. تعهد قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی است زیرا همان‌طور که استنلی (۲۰۰۵) بیان می‌کند، تعهد با ارتباط بهتر، شادی بیشتر و رفتار سازنده در زمان مشکلات، ارتباط دارد. تعهد به عنوان قصد فردی برای حفظ و نگهداری دلبستگی روان‌شناختی به رابطه، همسر و یک جهت‌گیری طولانی مدت نسبت به رابطه و تمایل به ادامه رابطه تعریف شده است (آریاگا، رید، گود فرند و آگنیو^۸، ۲۰۰۶). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل مسئله مناسب‌تر و رضایت زناشویی

1. Adams, J. M., & Jones, W. H.
2. Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S.
3. Welch, B. L., & Johnson, C. A.
4. Oklahoma.
5. Stanley, S. M.
6. Clements, R., & Swensen, C. H.
7. Lambert, N. M., & Dollahite, D. C.
8. Arriaga, X. B., Reed, J. T., Goodfriend, W., & Agnew, C. R.

رابطه دارد (مسترز^۱، ۲۰۰۸؛ کاپینوس و جانسون^۲، ۲۰۰۳، تیلگمن، کول، فیلتون و چسلا^۳، ۲۰۰۸). سطوح بالای تعهد، ثبات روابط زناشویی را برای بیش از ۵ سال اسپریچر^۴ (۲۰۰۱)، ۷ سال (کوردهک^۵، ۲۰۰۰)، و ۱۵ سال پیش‌بینی می‌کند (نقل از لی، کورن، کروکت و لاونینگ^۶، ۲۰۱۰). تعهد زناشویی^۷ حدی است که در آن افراد دیدگاه بلندمدتی روی ازدواجشان دارند، برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند؛ برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام برمی‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش‌دهنده نیست، می‌مانند (هارمون^۸، ۲۰۰۵). آریاجا و آگینو^۹ (۲۰۰۱) نیز تعهد زناشویی را به معنای تمایل فرد جهت حفظ دائمی ازدواج و وفادار ماندن به همسر، خانواده و ارزش‌ها تعریف کرده‌اند و آن را شامل اجزای رفتاری، شناختی و عاطفی دانسته‌اند. آدامز و جونز (۱۹۹۷)؛ به نقل از گنزالز و هرناندز^{۱۰}، ۲۰۰۹) تعهد زناشویی را به سه نوع متمایز تقسیم‌بندی کرده‌اند که شامل: الف) تعهد نسبت به همسر (تعهد شخصی^{۱۱})؛ که به معنای تمایل فرد برای باقی ماندن در رابطه و تداوم رابطه زناشویی است. ب) تعهد اخلاقی^{۱۲} (تعهد به ازدواج)؛ عملی که فرد اخلاقاً متعهد می‌شود به رابطه ادامه دهد و شامل اعتقاد به این ارزش‌هاست: عمل به قول خود، پاسداشت ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و حفظ ازدواج به عنوان یک مسئولیت مقدس. ج) تعهد اجباری^{۱۳}؛ به معنای ادامه دادن اجباری به ازدواج و شامل عوامل بیرونی خواه واقعی و خیالی است که علی‌رغم گرایش فرد به ترک رابطه می‌تواند مانع از آن گردد. مثل عدم تأیید خانواده و دوستان، وابستگی به

1. Masters, A.

2. Kapinus, C. A., & Johnson, M. P.

3. Tilghman-Osborne, C., Cole, D. A., Felton, J. W., & Ciesla, J. A.

4. Sprecher, S.

5. Kurdek, L. A.

6. Le, B., Korn, M. S., Crockett, E. E., & Loving, T. J.

7. marital commitment.

8. Harmon, D.

9. Arriaga, X. B., & Agnew, C. R.

10. González, R., & Hernández, J. A.

11. Personal commitment.

12. moral commitment.

13. constrain commitment.

فرزندان، نیافتن یک شریک مناسب و عوامل درونی مثل وابستگی عاطفی و فقدان اعتماد به نفس.

تحقیقات زیادی جهت شناسایی عوامل مؤثر به تعهد زناشویی و استحکام ازدواج انجام شده است. ون دن برگ^۱ (۲۰۰۰) اعتقاد دارد زوج‌هایی که زندگی شادی دارند؛ نگاه واقع بینانه ای به ازدواج دارند و حاضرند خواسته‌های خود را فدا کنند و در زمان‌های سخت زندگی، متعهد و در کنار یکدیگر می‌مانند. گاتمن و گاتمن^۲ (۲۰۰۶) تعامل‌های مثبت شامل: توجه به حرف‌های همسر، ابراز عشق و عواطف، قدردانی و ابراز رضایت از شریک زندگی و ازدواج، حساس بودن به مسائلی که همسر را نگران می‌کند، همدلی کردن، پذیرفتن حرف‌هایی که همسر می‌گوید حتی اگر با آن مخالف باشد، شوخی کردن با همدیگر را از عوامل اصلی موفقیت و دوام ازدواج‌ها می‌داند. در تحقیق دیگر مارستون، هیچت، مانک، مک دانیل و ریدر^۳ (۱۹۹۸) عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی را: حمایت گر بودن، بیان عشق، صداقت، بیان تعهد، توجه و فداکاری، می‌داند. همچنین در تحقیق دیگر سبیلی^۴ (۲۰۱۰)، دوستی و رفاقت زوج‌ها، تدریجی بودن فرآیند شکل‌گیری تعهد، داشتن الگوهای والدینی مثبت، پرهیز از الگوهای منفی، داشتن طرحی برای آینده و استفاده از کلمات تأییدی و تحسین را عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعهد و ماندگاری ازدواج‌ها دانسته‌اند. کوی^۵ (۲۰۱۰)، در تحقیق خود نشان داد که عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی و حفظ ازدواج‌های ماندگار عبارت‌اند از: گوش دادن، قدرت زبان، همکاری، اصالت و مدیریت تعارض‌ها، همدلی، خود افشایی، سازگاری و درک، را نام برده‌اند. همچنین نیمتز^۶ (۲۰۱۱) احترام، شوخ‌طبعی، ارتباط درست و روشن، سازش و پشتیبانی از همدیگر را مؤلفه‌های مؤثر بر تعهد و استحکام ازدواج مطرح کرده‌اند و اینکه زوج‌هایی که

1. VanDenBerghe, E.

2. Gottman, J. M. & Gottman, J. S.

3. Marston, P. J., Hecht, M. L., Manke, M. L., McDaniel, S., & Reeder, H.

4. Sibley, D. S.

5. Coy, T.

6. Nimitz, M. A.

نسبت به هم تعهد بیشتری دارند، از همسازی بیشتر، ارتباط مؤثرتر و مشکل‌گشایی کارآمدتر، رضایت بیشتر نسبت به زندگی برخوردارند (براندا و راگسدیل^۱، ۲۰۰۵). همچنین گودفرد و آگنیو^۲ (۲۰۰۸) ویژگی‌های شخصیتی و روانی فرد را از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی دانسته‌اند.

بعضی محققان اعتقاد دارند که تعهد یک تجربه است. مارستون، هیچت، مانک، مک دانیل و ریدر (۱۹۹۸)، اظهار داشته‌اند که تعهد در افراد و زوج‌های مختلف به روش‌های متفاوت تجربه می‌شود و این‌که زوج‌ها چگونه تعهدشان را در روابط زناشویی‌شان می‌سازند و تجربه می‌کنند، نیز متفاوت است. آن‌ها اعتقاد دارند که بهترین روش برای کشف تعهد افراد، پیدا کردن درکی شخصی است که افراد از تعهد دارند. همچنین با توجه به تفاوت‌های فرهنگی در جوامع مختلف، معیارهای جوامع می‌تواند برای عوامل مؤثر بر تعهد و ماندگاری ازدواج متفاوت باشند و اینکه هرکدام از نظریه‌ها و تحقیقات مطرح شده در مورد تعهد و استحکام زندگی زناشویی، بسته به فرهنگ موجودشان و با توجه به مبانی نظری و تبیین‌های خاص خود پرداخته‌اند.

لذا به نظر می‌رسد که ساختار و ویژگی‌های روابط متعهدانه و استحکام ازدواج در جوامع غربی با ایران تفاوت داشته باشد (از جمله در فرآیند تشکیل رابطه زناشویی، خانواده هسته‌ای، مذهب و مسائل فرهنگی، و...). بنابراین تعریف تعهد و تداوم ازدواج در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و از آنجایی که در جامعه ما محققین بیشتر دید آسیب‌شناختی به مسائل زناشویی دارند و کمتر سراغ زوج‌های موفق می‌روند تا نظرات و تجربیات آن‌ها درباره علل دوام و پایداری ازدواجشان را جویا شوند؛ و اینکه برای پایداری و حفظ تعهد زناشویی از چه رفتارها و مهارت‌های استفاده می‌کنند؛ این پژوهش درصدد است تا با تحلیل و توصیف تجربه تعهد در زوج‌های مختلف و دارای تعهد و استحکام زناشویی از طریق مصاحبه، تصویری از اینکه تعهد چگونه شکل می‌گیرد و حفظ می‌شود

1. Brandeau-Brown, F. E., & Ragsdale, J. D.

2. Goodfriend, W., & Agnew, C. R.

را به دست آورد تا از طریق مؤلفه‌های شناسایی شده، راهنمایی برای زوج‌های جدید و کارشناسان مربوط به حوزه خانواده و ازدواج باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه تحلیل محتوایی^۱ - کیفی است. تحلیل محتوایی یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که با تحلیل داده‌های کیفی و طبقه‌بندی آن‌ها می‌کوشد تا به معنای درونی آن‌ها دست یابد (گرانیهیم و لاندمن^۲، ۲۰۰۴). در این روش طی فرایند طبقه‌بندی منظم، کدها، مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی و الگوهای آشکار و پنهان مشخص می‌شود (الوو کینگس^۳، ۲۰۰۸؛ فورمن و دام‌شرودر^۴، ۲۰۱۲). این روش سعی در درک معنا، با تقلیل داده‌های کیفی و طبقه‌بندی آن‌ها دارد. زیرا تحلیل محتوا، روشی مناسب برای به دست آوردن نتایج معتبر و پایا، از داده‌های متنی برای ایجاد دانش، بینش جدید، ارائه حقایق و راهنمای عملی برای عملکرد است. در این روش، پژوهشگر از به کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب می‌ورزد و در اصل، این امکان را فراهم می‌کند که طبقات و نامشان از درون داده‌ها بیرون آید. بنابراین پژوهشگر بر داده‌ها تمرکز دارد تا بتواند به درک و بینش دست یابد. ابتدا تحلیل داده‌ها با خواندن مکرر متن برای کسب بینش کلی انجام می‌پذیرد. سپس متون، کلمه به کلمه خوانده می‌شود و کدها استخراج می‌شوند. این فرآیند به طور پیوسته از استخراج کدها تا نام‌گذاری آن‌ها تداوم می‌یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های کدها، در داخل طبقات قرار می‌گیرند و در پایان به ازای هر مفهوم، شواهدی از متن داده‌ها نقل قول می‌شوند (الوو کینگس، ۲۰۰۸). بنابراین از آنجایی که هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد

1. content analysis.

2. Graneheim, U. H., & Lundman, B.

3. Elo, S., & Kyngäs, H.

4. Forman, J., & Damschroder, L.

زناشویی از دیدگاه زوج‌ها بود، روش تحلیل محتوای جهت‌دار^۱ مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و از روش نمونه‌گیری همگون استفاده شد. نمونه همگون شامل گروهی است که دارای ویژگی‌های مشابه‌اند (هومن، ۱۳۹۳). در نمونه‌گیری هدفمند پژوهشگر تعمداً به انتخاب افرادی اقدام می‌کند که تأمین‌کننده‌ی اطلاعات مهمی هستند و مهم‌ترین اصل انتخاب افرادی است که بتوانند اطلاعات مورد نیاز برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش را فراهم آورند (ماکسول^۲، ۲۰۱۲). تعداد نمونه در این تحقیق ۱۰ زوج (۲۰ نفر) بودند. که این ۱۰ زوج به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک‌ها برای ورود به نمونه عبارت بودند از: ۱) بیش از ۷ سال از زندگی مشترک زوج‌ها سپری شده باشد و ۲) زوج‌ها از سطح رضایت و تعهد زناشویی بالایی برخوردار باشند که برای اطمینان حاصل کردن از تعهد و رضایت زناشویی بالای زوج‌ها، قبل از انتخاب شدن برای گروه نمونه و مصاحبه، زوج‌ها پرسشنامه تعهد زناشویی جونز و آدامز (۱۹۹۷) و پرسشنامه ۴۷ سؤالی رضایت زناشویی سلیمانیان و نوایی نژاد (۱۳۷۳) را پر کردند.

ابزارهای پژوهش پژوهش

مصاحبه: جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق انجام شد. زیرا گفتمان‌های تفسیری برای همه سنت‌های تفسیری، چندان اهمیت دارد که تصور وجود و پیشرفت این سنت‌ها و جریان‌های فکری، بدون روش‌شناسی طراحی شده برای مطالعه آزمودنی‌ها و گفتارهایشان بسیار دشوار است. سؤال کردن و گوش دادن به دیگران، به ما می‌گوید: آن‌ها چه می‌دانند و چه احساس و باوری دارند؛ این فرآیند پرسیدن و گوش دادن، همان کهن‌الگوی مصاحبه است (لیندلف و تیلور^۳، ۲۰۰۹؛

1. directed Content Analysis.
2. Maxwell, J. A.
3. taylor, B. & leinlof, T.

ترجمه: گیویان، ۱۳۸۸).

پرسشنامه تعهد زناشویی^۱ (MCQ): این پرسشنامه میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) برای مقاصد پژوهشی تهیه و تدوین شده است و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند؛ این ابعاد عبارت‌اند از: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری (عباسی مولید، ۱۳۸۸). آدامز و جونز (۱۹۹۷) در ۶ پژوهش مختلف به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسشنامه، آن را روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سؤال با نمره کل آزمون بالا و معنادار بود و به‌طور کلی ابعاد این پرسشنامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز (۱۹۹۷) میزان پایایی هریک از مقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه مذکور به این شرح به دست آوردند: تعهد شخصی ۰/۹۱؛ تعهد اخلاقی ۰/۸۹؛ تعهد ساختاری ۰/۸۶ و پایایی کل پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کردند (عباسی مولید، ۱۳۸۸). در مطالعه‌ای مقدماتی توسط عباسی مولید (۱۳۸۸) روایی محتوایی این آزمون مورد تأیید قرار گرفت. هر سؤال آزمون دارای یک مقیاس ۵ درجه‌ای: کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است، که به هر گزینه نمره‌ای بین ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. دامنه کلی نمرات بین ۱ تا ۱۷۲ نمره است و نمره بالاتر در این آزمون، بالا بودن تعهد کلی زوجها را نشان می‌دهد (عباسی مولید، ۱۳۸۸).

مقیاس رضایت زناشویی انریچ^۲ (ENRICH): این پرسشنامه توسط اولسون، فورنیرو و دراکن^۳ در سال ۱۹۸۹ (به نقل از ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹) طراحی شده که به منظور ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قدرت و پربارسازی روابط زناشویی به کار می‌رود. نسخه اصلی آزمون ۱۱۵ سؤال دارد که شامل ۱۲ خرده مقیاس است. خرده

1. marital commitment questioner.
2. Enrich Marital Satisfaction Scale.
3. Olson, D. H., Fournier, D. G., Druckman, J. M.

مقیاس‌های این آزمون شامل تحریف آرمانی^۱، رضایت زناشویی، موضوعات شخصیتی^۲، ارتباط^۳، حل تعارض^۴، مدیریت مالی^۵، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت^۶، روابط جنسی^۷، خانواده و دوستان^۸، فرزندان و فرزند پروری^۹، نقش‌های مربوط به برابری زن و مرد^{۱۰} و جهت‌گیری مذهبی^{۱۱} است (به نقل از چپانه، ۱۳۸۶). در این پژوهش از فرم کوتاه ۴۷ ماده‌ای (سلیمانیان و نوایی نژاد، ۱۳۷۳)، که در یک طیف لیکرت پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵) نمره‌گذاری می‌شود استفاده شده است. اولسون و همکاران (۱۹۸۹)، به از نقل ثنایی ذاکر، (۱۳۷۹) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۹۲؛ مهدویان (۱۳۷۶) ضریب باز-آزمایی (به فاصله یک هفته) برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴؛ فاورز و اولسون (۱۹۹۳)، به نقل از سید محرمی، قنبری هاشم‌آبادی و اصغری ابراهیم‌آباد، (۱۳۹۴) اعتبار آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و روایی آن را با پرسشنامه سازگاری زناشویی ۰/۹۲ گزارش کردند. دینر، ایمونز^{۱۲}، لارسن و گریفین (۱۹۸۵)؛ به نقل از عامری، (۱۳۸۱) ضرایب روایی خرده مقیاس‌های پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ با مقیاس رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ گزارش کردند. در این پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد.

1. idealistic distortion.
2. personality issues.
3. communication.
4. conflict resolution.
5. financial management.
6. leisure activities.
7. sexual relationship.
8. family and friend.
9. children and parenting.
10. equalitarian roles.
11. religious orientation.
12. Diener, E.D., Emmons, R.A., Larsen, R.J., & Griffin, S.

شیوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از اخذ رضایت آگاهانه و شفاهی از مشارکت‌کنندگان، اجرای پرسشنامه تعهد و رضایت زناشویی روی زوج‌ها و توضیح اهداف مطالعه، مصاحبه‌های رودررو در یکی از مراکز مشاوره شهر تهران انجام شد. مصاحبه‌ها با دستگاه ضبط دیجیتال ضبط گردید و زمان آن‌ها بین ۴۰ تا ۸۵ دقیقه بود. سؤالات دموگرافیک معمول در ابتدا پرسیده شد و بعد سؤالات با یک سؤال کلی و باز "از نظر شما تعهد زناشویی یعنی چه؟" آغاز و سپس ترتیب سؤالات با توجه به شرایط مصاحبه‌شونده و روند مصاحبه، انتخاب، محدود یا گسترش پیدا کردند. سؤالات طوری طراحی شده بود که بیشترین اطلاعات را از زوج‌ها به دست در جاهایی که نیاز به توضیح و روشن‌سازی بود از زوج‌ها خواسته می‌شد تا مثال‌های بیشتری را بیاورند. مصاحبه تا رسیدن به غنای لازم و اشباع اطلاعات ادامه یافت؛ به این معنا که با ادامه مصاحبه، اطلاعات جدیدی به داده‌ها اضافه نمی‌شد. بعد از انجام مصاحبه، ابتدا آن‌ها را با دقت گوش داده و بعد از به دست آوردن دید کلی نسبت به آن‌ها، تمام مصاحبه‌ها به صورت کامل مکتوب گردید. سپس متن مکتوب مصاحبه‌ها خوانده شد، جملات و عبارات مهم تعیین و کدها بر اساس واحدهای معنا برگرفته از توصیفات شرکت‌کنندگان کشف شد. سپس بر اساس شباهت، کدها ادغام و دسته‌بندی گردید. این روند ادامه یافت تا کدهای اولیه، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی، مشخص شد.

برای اعتبار سنجی یافته‌ها و بررسی اعتبار کدگذاری داده‌ها از روش پیشنهادی گوبا استفاده شد. روش گوبا ریشه در چهار محور ارزش واقعی، کاربردی بودن، تداوم و مبتنی بر واقعیت بودن دارد (هولووی و فرش ویلر^۱، ۲۰۱۳). در این پژوهش برای ارزش واقعی بودن، پس از استخراج مؤلفه‌ها به شرکت‌کنندگان مراجعه شد و شرکت‌کنندگان مقوله‌های استخراج‌شده را تأیید کردند. با تأیید مؤلفه‌های استخراج‌شده به وسیله

1. Holloway, I., & Wheeler, S.

شرکت کنندگان، ارزش واقعی محقق شد. برای کاربردی بودن یا قابلیت اجرا، پژوهشگر مجدداً با دوزوج دیگر مصاحبه نمودند، مراتب مذکور تکرار شد و یافته‌های جدیدی به دست نیامد. برای ثبات و تداوم نیز سؤالات مشابه در قالب‌های مختلف برای شرکت کنندگان مطرح شد که شرکت کنندگان پاسخ‌های همسان و غیرمتناقضی به سؤالات مشابه که در قالب‌های مختلف مطرح شده بود، دادند. مبتنی بر واقعیت بودن پژوهش نیز بدین طریق حاصل شد که فرآیند پژوهش خالی از هرگونه تعصب باشد. بدین منظور کدگذاری توسط متخصص دیگری نیز انجام شد که مراتب مذکور تکرار شد. همچنین به منظور بررسی صحت محتوای صورت گرفته و مفاهیم استخراج شده و بررسی ثبات مفاهیم، با دوزوج از مصاحبه شدگان مجدداً مصاحبه صورت گرفت. مراتب مذکور تکرار شد و یافته‌های جدیدی به دست نیامد.

یافته‌ها

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مدت ازدواج، تحصیلات و میانگین سن زوج‌ها

میانگین سن	تحصیلات					مدت ازدواج		
	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	۱۹-۱۸ سال	۱۵-۱۴ سال	۱۱-۱۰ سال	
۴۲	۶	۹	۳	۲	۳ زوج	۴ زوج	۳ زوج	تعداد

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مدت زمان ازدواج زوج‌ها شامل: ۳ زوج ۱۱-۱۰ سال، ۴ زوج ۱۵-۱۴ سال و سه زوج هم بین ۱۸-۱۹ سال بود. میانگین سنی زوج‌ها ۴۲ سال بود. از لحاظ تحصیلات تعداد ۶ نفر فوق لیسانس، ۹ نفر لیسانس و ۳ نفر از شرکت کنندگان فوق دیپلم و ۲ نفر دارای مدرک دیپلم بودند. و میانگین تعداد فرزندان زوج‌ها نیز دو فرزند بود. در جدول زیر مقوله بندی و کدگذاری مربوط به عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی حاصل از مصاحبه نیمه ساختار یافته با زوج‌ها، مشاهده می‌شود. در جدول (۲)

نتایج مقوله بندی و کد گذاری مربوط به عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی حاصل از مصاحبه نیمه ساختار یافته با زوج‌ها آمده است.

مقاله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای اولیه	مثال‌هایی از جمله‌های مصاحبه‌شوندگان
	دلگرمی و اطمینان بخشی	اهمیت دادن به همسر؛ نشان دادن عشق به همسر، بی‌همتا دانستن همدیگر، عدم تردید نسبت به همدیگر و مطمئن بودن به آینده رابطه، باهم بودن در سخت‌ترین شرایط، آرامش بخش بودن رابطه، دیدن تلاش‌های همدیگر، بخشی از زندگی همدیگر بودن، دل‌تنگ شدن، مهم‌ترین فرد زندگی همدیگر بودن	مرد ۳۸ ساله می‌گوید: "در دنیا هیچ‌کس نمی‌تواند جای همسر را برای من بگیرد"
شایستگی زوجی	اصالت (خود افشایی و باز بودن)	راحت بودن با همدیگر، صحبت کردن در مورد نگرانی‌ها، درد و دل کردن، بیان آزادانه احساسات در مورد رابطه، بیان آزادانه نیازها به همدیگر، گفتگو کردن در مورد رابطه	زن ۴۳ ساله‌ای می‌گوید "من تمام خواسته‌هایم از همسر و یا در مورد رابطه را به راحتی با همسر در میان می‌گذارم".
	مدیریت تعارض‌ها	گذشت، صبر، گفتگو و مذاکره در مورد مشکلات، حل مشکلات توسط خودمان در مرحله اول، قهر نکردن، معذرت‌خواهی، پذیرش و قضاوت نکردن، تلاش برای حل تعارض، پذیرش اختلاف نظرها، درک همدیگر، همدلی	خانم ۴۰ ساله‌ای می‌گوید "هیچ‌وقت در طول زندگی‌مان با همدیگر به خاطر مسائل به وجود آمده قهر نکرده‌ایم"
	نگرش شوخ طبعانه	خوش رو بودن، شوخ‌طبعی، سعی در خوشحال کردن همدیگر، با همدیگر خوش بودن، احساس لذت باهم بودن، ایجاد نشاط و شادی در خانه	زن ۳۲ ساله‌ای می‌گوید "بهترین لحظات زندگی‌م زمانی هست که همسر در خانه هست، چون محیط خانه را شاداب و پراز انرژی می‌کند".
شایستگی زوجی	هماهنگی و مشورت	مشورت کردن در امور، راهنمایی کردن، هدایت و جهت‌دهی در مسیر پیشرفت شخصی، نظرخواهی و هماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها	زن ۳۸ ساله‌ای می‌گوید "همیشه در مورد کارهای که مربوط به خودم، نظر مشورتی همسر را می‌گیرم و او هم با اشتیاق کامل پیشنهادها و نظرات خودش را ارائه می‌کند".

مثال‌هایی از جمله‌های مصاحبه‌شوندگان	کدهای اولیه	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
مرد ۳۹ ساله‌ای می‌گوید: "من از بابت کارهای خانه خیالم راحت است چون همسرم تمام و کمال آن‌ها را انجام می‌دهد".	تقسیم وظایف و مشخص بودن نقش‌ها، مسئولیت‌پذیری، اشتراک در مسائل مالی، تعادل مناسب بین کار و خانواده، پذیرفتن و انجام نقش‌های جنسیتی	شفافیت نقش‌ها (مسئولیت‌پذیری)	
زن ۳۵ ساله‌ای می‌گوید: "وقتی همسرم به دیدن پدر و مادرم می‌رود، بسیار خوش‌حال می‌شوم به طوری که حاضر نیستم حسم را با چیزی عوض کنم"	ارتباط مناسب با خانواده‌ها، ارتباط با دوستان مشترک، ارتباط مثبت و مناسب با فامیل‌های همدیگر	شبکه اجتماعی (صله‌رحم)	شایستگی زوجی
زن ۴۱ ساله می‌گوید: "من تمام مراحل تحصیلات دانشگاهیم را در منزل همسرم ادامه داده‌ام و او در این مسیر از هیچ تلاشی دریغ نکرده"	توجه و احترام به علائق همسر، تأمین آسایش و رفاه، عدم مقایسه با دیگران، پشتیبانی از همدیگر در ابعاد مختلف، مکمل همدیگر بودن، توجه و برطرف کردن نیازها (مادی، عاطفی، روحی و جنسی)، تلاش برای رشد متقابل، دلگرم کردن همدیگر در زمان مشکلات، آگاه بودن از نیازهای همدیگر، برجسته کردن همسر پیش دیگران، فراهم کردن مسیر پیشرفت برای همدیگر، دیدن مسائل از نگاه همسر، حساس‌نگر نبودن، حمایت عاطفی، فداکاری	پشتیبانی و همراهی	شایستگی زوجی
مرد ۴۴ ساله‌ای می‌گوید: "در طی ۱۸ سال زندگی مشترک همسرم همیشه با من صادق بوده و دروغی نشنیده‌ام"	اطلاع داشتن از فعالیت‌های روزمره همدیگر، متعهد بودن به قول‌ها، در دسترس بودن، در جریان کارهای همدیگر بودن، راستگویی، صادق بودن	صداقت	

مقاله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	کدهای اولیه	مثال‌هایی از جمله‌های مصاحبه‌شوندگان
شایستگی زوجی	متصور شدن آینده‌ای برای رابطه	داشتن اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، مشاهده پیشرفت در رابطه، داشتن اهداف و معنای مشترک در زندگی، تصویرسازی در مورد آینده رابطه، ترسیم آینده‌ای برای رابطه (مانند: عروسی فرزندان)، آینده‌نگری در مورد رابطه، باور بالباس سفید رفتی بالباس برگرد	زنی ۴۷ ساله‌ای می‌گوید "من باور دارم که باید بالباس سفید به خانه بخت رفت و بالباس سفید برگشت"
شایستگی زوجی	تلاش برای برقراری ارتباط	گوش دادن، گفتگو درباره مشکلات، گفتگو درباره وقایع روزانه، دوستانه گفتگو کردن، گفتگو در مورد خصوصیات مثبت و منفی همدیگر، صرف زمان برای گفتگو، تلاش برای بهتر شدن رابطه	مردی ۴۲ ساله‌ای می‌گوید "من و همسرم هر روز به مدت یک ساعت در مورد رابطه و شرایط زندگی مان با همدیگر در خلوت صحبت می‌کنیم"
شایستگی زوجی	ارائه یادآوری‌های ملموس	خریدن هدیه، ارسال پیامک‌های عاشقانه، تولد گرفتن، سالگرد عروسی، یادآوری تاریخ‌های مهم زندگی، نوشتن یادداشت‌های عاشقانه، انجام کارهای عملی برای کمک به همدیگر	زنی ۴۰ ساله‌ای می‌گوید "ما تقریباً در تمام مراسم‌های خانواده مثل تولد فرزندان و سالگرد ازدواج و... حتماً جشن ساده می‌گیریم."
شایستگی فردی	الگو گیری از خانواده اصلی	یادگیری انجام وظایف و پذیرفتن مسئولیت، گرفتن الگوهای مثبت از والدین و اعضای خانواده، پرهیز از الگوهای منفی والدین و اعضای خانواده، تلاش در جهت ایجاد فضای صمیمی در محیط خانه	مرد ۴۲ ساله‌ای می‌گوید "انجام تمام کارهای خارج از خانه به عهده بنده هست و من این را از پدرم یاد گرفته‌ام"
شایستگی فردی	تجارب خانواده اصلی	ارزشمند و قابل اعتماد بودن انسان‌ها، احترام گذاشتن و حمایت کردن همدیگر، ابراز راحت نظرات و احساسات، خوش بینی و شادبود در محیط خانه، پذیرفتن اشتباهات و عذرخواهی توسط اعضای خانواده	خانم ۳۷ ساله‌ای می‌گوید "پدر من نگاه مثبتی به انسان‌ها داشت و اعتقاد داشت که انسان‌ها قابل اعتماد و احترام می‌باشند و این جزء ارزش‌های من شده و سعی می‌کنم به انسان‌ها از این دید، نگاه کنم"

مثال‌هایی از جمله‌های مصاحبه‌شوندگان	کدهای اولیه	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
مرد ۴۷ ساله‌ای می‌گوید " همسر من همیشه در طول دوران زندگی‌مان حریمش را نسبت با نامحرمان حفظ کرده و پوشش مناسبی داشته است و این مسئله برای من خیلی خوشایند است."	توکل بر خدا، توجه به مسائل دینی، پوشش مناسب، داشتن حریم در مقابل نامحرمان، قناعت داشتن، توجه به مسائل اخلاقی	اعتقادات و ارزش‌های معنوی و مذهبی	شایستگی فردی
مرد ۳۹ ساله‌ای می‌گوید " از زمانی که ازدواج کرده‌ام، مراحل رشد و ترقی‌ام چند برابر شده است."	ارزشمند دانستن ازدواج، کامل‌کننده بودن ازدواج، نقش ازدواج در رشد در زمینه‌های مختلف	نگرش مثبت به ازدواج	
مرد ۳۶ ساله‌ای می‌گفت " بعد از تولد فرزندم احساس مسئولیت بیشتری در قبال رابطه و همسرم می‌کردم."	تولد فرزند، تعداد فرزندان، مدت ازدواج، جایگاه اجتماعی همسر، شناخت قبل از ازدواج، تجربه اولین عشق در ازدواج	ویژگی‌های جمعیت شناختی	عوامل زمینه‌ای

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، در نتیجه تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته با مشارکت کنندگان در مرحله کدگذاری اولیه ۱۱۳ کد اولیه، در مرحله دوم ۱۷ مقوله فرعی و در نهایت ۳ مقوله اصلی استخراج گردید. مقوله‌های اصلی عبارت بودند از ۱- شایستگی زوجی که شامل مقوله‌های فرعی: دلگرمی و اطمینان بخشی، اصالت، مدیریت تعارض‌ها، نگرش شوخ طبعانه، هماهنگی و مشورت، شفافیت نقش‌ها و شبکه اجتماعی، پشتیبانی و همراهی، صداقت، متصور شدن آینده‌ای برای رابطه، تلاش برای برقراری ارتباط و ارائه یادآوری‌های ملموس، است. ۲- شایستگی فردی که شامل: الگوگیری از خانواده اصلی، تجارب به دست آمده در خانواده اصلی، اعتقادات و ارزش‌های معنوی و مذهبی، نگرش مثبت به ازدواج، است. ۳- عوامل زمینه‌ای شامل: ویژگی‌های جمعیت شناختی مانند تولد فرزندان، مدت ازدواج، تعداد فرزندان و... است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی صورت گرفت. بدین منظور دیدگاه زوج‌ها با تعهد و رضایت زناشویی بالا که بیش از ۷ سال از زندگی مشترکشان می‌گذشت با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. بر اساس یافته‌های پژوهش سه مقوله اصلی شایستگی زوجی، شایستگی فردی و عوامل زمینه‌ای، کشف شد که هریک از مقولات دارای مقوله‌های فرعی بودند. مقوله اصلی شایستگی زوجی دارای ۱۲ مقوله فرعی بود. مقوله‌های: دلگرمی و اطمینان بخشی (تأکید بر پذیرش، تعهد و ابراز عشق نسبت به همسر) با نتایج تحقیق کانری و استفورد^۱ (۱۹۹۲)، نیمتز (۲۰۱۱)؛ اصالت (اشاره دارد به گفتگو و بیان مستقیم احساسات در مورد رابطه و همدیگر) با نتایج تحقیق فینکنوئر، اینجلز، برنجی و میوس^۲ (۲۰۰۴) و ایگریچ^۳ (۲۰۰۴)؛ مدیریت تعارض (به توانایی زوج‌ها برای استفاده از روش‌های حل تعارض‌ها در زندگی زناشویی اشاره دارد مثل؛ همکاری و عذرخواهی کردن) با نتایج تحقیق گاتمن و لوینسون^۴ (۲۰۰۰) و تالمن و هاسیو^۵ (۲۰۰۴)؛ نگرش شوخ طبعانه (به تلاش‌های زوج‌ها برای حفظ و به‌کارگیری تعامل شاد و لذت بخش اشاره دارد) با نتایج تحقیق نیمتز (۲۰۱۱)؛ هماهنگی و مشورت (اشاره دارد به بیان عقاید و نظرات در مورد همسر و کارهای او، به عبارت دیگر، نظر مشورتی دادن به همدیگر) با نتایج تحقیق کانری و استفورد (۱۹۹۲)؛ شفافیت نقش‌ها (اشاره دارد به تقسیم و انجام وظایف و مسئولیت‌ها به وسیله زوج‌ها) با نتایج تحقیق اولسون^۶ (۲۰۰۰) و تالمن و هاسیو (۲۰۰۴)؛ شبکه اجتماعی (اشاره دارد به ارتباط با دوستان و آشنایان و خانواده‌ها در جهت حفظ و ثبات رابطه) با نتایج تحقیق کانری و استفورد (۱۹۹۲)؛ پشتیبانی و حمایت (شامل رفتارهای

1. Canary, D. J., & Stafford, L.

2. Finkenauer, C., Engels, R. C., Branje, S. J., & Meeus, W.

3. Eggerich, E.

4. Gottman, J. M., & Levenson, R. W.

5. Tallman, I., & Hsiao, Y. L.

6. Olson, D. H.

می‌شود که حمایت به همسر و علاقه‌مند بودن به بهزیستی روانی، فیزیکی و تشویق همدیگر را نشان می‌دهد) با نتایج تحقیق نیمتز^۱ (۲۰۱۱) و مارستون، هیچت، مانک، مک دانیل و ریدر (۱۹۹۸)؛ صداقت (اشاره دارد به رفتارهایی با همسر به طور صادقانه به عنوان روشی که تعهدشان را به همسرشان نشان دهند) با نتایج تحقیق ویجل و بالارد^۲ رسیچ (۲۰۰۲)؛ متصور شدن آینده‌ای برای رابطه (اشاره دارد به رفتارهای که طراحی شده برای حفظ و داشتن ایده‌ها و طرح‌های برای آینده رابطه) با نتایج تحقیق سیلی (۲۰۱۰)؛ تلاش برای برقراری ارتباط (به رفتارهای اشاره دارد که زوج‌ها برای برقراری ارتباط در طول شبانه‌روز به کار می‌گیرند به عبارتی برای بهتر شدن رابطه‌شان تلاش می‌کنند) با نتایج تحقیق گری چاپمن^۳ (۲۰۱۰)؛ ارائه یادآوری‌های ملموس (اشاره دارد به رفتارها، آداب و مراسماتی جهت نشان دادن عشق به همدیگر است) با نتایج تحقیق ویجل و بالارد رسیچ (۲۰۰۲)، همسو بودند.

دومین مقوله اصلی، شایستگی فردی بود که: الگوگیری از خانواده اصلی (اشاره دارد به رفتارها و کارهایی که زوج‌ها از خانواده اصلی و والدین خود الگوبرداری می‌کنند و به زندگی زناشویی مشترک خود می‌آورند) با نتایج تحقیق آماتو^۴ (۲۰۰۰)؛ تجارب خانواده اصلی (به تجارب، باورها و ارزش‌های در زوج‌ها اشاره دارد که تحت تأثیر اعضای خانواده اصلی‌شان بوده است. این مقوله بیشتر جنبه شناختی دارد) با نتایج تحقیق ویجل، بینت و بالارد رسیچ^۵ (۲۰۰۳)؛ اعتقادات و ارزش‌های معنوی و مذهبی (با توجه به قوی بودن ارزش‌های دینی و اسلامی در فرهنگ ما، یکی از مؤلفه‌های که زوج‌ها برای تعهد خود عنوان می‌کردند، شباهت‌های ارزشی، اخلاقی و اعتقادی بود) با نتایج تحقیق لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) و نگرش مثبت به ازدواج (عبارت است از عقیده ذهنی و

1. Nimitz, M. A.

2. Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S.

3. Chapman, G. D.

4. Amato, P. R.

5. Weigel, D. J., Bennett, K. K., & Ballard-Reisch, D. S.

باورهای فردی در مورد ازدواج) با نتایج تحقیق (براتن و روسن^۱، ۱۹۹۸) و نتایج تحقیق (آماتو و راجرز^۲، ۱۹۹۹)، همسو بودند. سومین مقوله مربوط به عوامل زمینه‌ای (سن، تولد فرزندان، مدت ازدواج و... بود) که با نتایج تحقیق سیبلی (۲۰۱۰)، کاظمی (۱۳۸۸)، حسینی و فتحی آشتیانی (۱۳۸۹) همسو بود.

در تبیین یافته‌ها می‌توان بیان کرد که اطمینان بخشی و دلگرمی دادن شامل گفتگوی مستقیم با همسر درباره تعهدشان و تمایلشان به ماندن در رابطه می‌شود. این مقوله شاید مستقیم‌ترین مقوله درباره دلگرم کردن و مطمئن کردن همسر به تمایل برای ماندن و ادامه دادن رابطه می‌شود. در واقع زوج‌ها با گفتن و انجام چنین رفتارهای حس امنیت را به همدیگر منتقل می‌کنند که همسرشان برای طولانی مدت با آن‌ها خواهد بود. زوج‌ها با دلگرمی دادن به همدیگر، طرف مقابل را از نگرانی، اضطراب یا به تردید در مورد اینکه همسر در رابطه سرمایه‌گذاری می‌کند و به آن ادامه می‌دهد یا نه خاتمه می‌دهد. به عبارتی دیگر اطمینان بخشی یعنی اطمینان و اعتماد هر دو طرف رابطه به همدیگر. اطمینان بخشی هیجان‌های منفی نسبت به رابطه را کاهش می‌دهد و باعث طولانی شدن رابطه می‌شود (نیمتزر، ۲۰۱۱).

یافته دیگر تحقیق که اصالت است، نقش مهمی می‌تواند در حفظ ازدواج داشته باشد. اصالت داشتن، یک رفتار ارتباطی است که نقش مهمی در ماندگاری و سطوح بالای رضایت زناشویی دارد. اصالت داشتن به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مؤلفه‌های مانند باز بودن، خود افشایی شفافیت و... اشاره دارد. باز بودن بر طبق نظرمونت گومری^۳ (۱۹۸۱) رفتار ارتباطی است که به اشخاص برای درک شدن توسط دیگران کمک می‌کند. در واقع باز بودن یا گشودگی، به اشتراک گذاشتن چیزهای است که ما می‌دانیم، چیزهای که فکر می‌کنیم، چیزهای که احساس می‌کنیم و چیزی که شما هستید، است

1. Braaten, E. B., & Rosén, L. A.

2. Amato, P. R., & Rogers, S. J.

3. Montgomery, B. M.

(ایگریچ، ۲۰۰۴). بالطبع زوج‌هایی که در چنین جوی زندگی می‌کنند روابط ماندگارتری خواهند داشت.

مدیریت تعارض‌ها یافته دیگران تحقیق است. تعارض یک بخش اجتناب‌ناپذیر روابط است. چرلین، اسکابینی و روسی^۱ (۲۰۰۴) مطرح می‌کند به دلیل اینکه جامعه فاقد هنجاری اجتماعی مربوط به روابط زناشویی است، زوج‌ها نیازمند مذاکره برای یافتن روش‌های جدید برای عمل کردن هستند، که این موضوع بالقوه منبع تعارض است. زوج‌هایی موفق، روش‌های برای حل تعارض‌هایشان و مدیریت آن‌ها، قبل از اینکه به بن‌بست برسند پیدا می‌کنند (گاتمن و گاتمن، ۲۰۰۶). اقدامات پیشگیرانه برای بروز از تعارض شامل: افزایش هماهنگی در زمینه‌های اهداف، تصمیمات، نگرش به بخشش، انعطاف‌پذیری، سازش‌پذیری، درک و همدلی است که در این تحقیق نیز زوج‌ها به آن‌ها اشاره نموده‌اند (کاسلو و رابسون^۲، ۱۹۹۶). والرستین و بلاکسل^۳ (۱۹۹۵) شوخی و خنده را از عناصر ضروری در ازدواج‌های طولانی‌مدت نام برده‌اند، همچنین آپلتون و بیم^۴ (۲۰۰۱) مطرح می‌کنند که افرادی که شوخ‌طبع هستند توانایی بالایی برای همدمی و همراهی دارند. با توجه به نتایج این تحقیقات و پژوهش حاضر می‌توان گفت شوخ‌طبعی یکی از مؤلفه‌های اساسی برای ازدواج طولانی‌مدت و تعهد زناشویی است که در پژوهش حاضر نیز بدان توجه شده است.

تعداد زیادی از مقوله‌های به دست آمده مانند: تلاش برای برقراری ارتباط، ارائه یادآوری‌های ملموس در این تحقیق مربوط به مسائل ارتباطی است. بر طبق نظر چاپمن (۲۰۱۰) کشف و شناسایی زبان عشق همسران، برای نگهداری و حفظ روابط عاطفی ضروری است. این زبان‌ها شامل: استفاده از کلمات تأییدی و تشویقی، کیفیت زمان باهم بودن، دادن و گرفتن هدیه، خدمت کردن به همدیگر، تماس فیزیکی می‌شود.

1. Cherlin, A. J., Scabini, E., & Rossi, G.

2. Kaslow, F., & Robison, J. A.

3. Wallerstein, J. S., & Blakeslee, S.

4. Appleton, C., & Bohm, E.

به نوعی تمام این پنج مؤلفه در این تحقیق از نظر زوج‌ها برای روابط متعهدانه‌شان مطرح شد.

متصور شدن آینده‌ای برای رابطه یا داشتن طرح‌های برای آینده از دیگر یافته‌های این پژوهش بود. زوج‌ها در مصاحبه‌ها بیان می‌کردند که آن‌ها اهداف و معنای مشترکی دارند و در مورد این اهداف با همدیگر گفتگو می‌کنند. اهدافی مانند: آینده فرزندان، موفقیت فرزندان، چگونگی مسیر مشترک زندگی، معنای مشترک و... بیشتر موضوعات گفتگوی زوج‌ها را تشکیل می‌داد. این گفتگوها و داشتن اهداف مشترک به زوج‌ها کمک می‌کند تا خودشان را برای رسیدن به این اهداف آماده و آن‌ها را متحد می‌کند. گاتمن و گاتمن (۲۰۰۶) توضیح می‌دهد که وقتی زوج‌ها اهداف مشترکی دارند و برای رسیدن به این اهداف و برنامه‌ریزی می‌کنند، این زوج‌ها در هر دو حوزه موفق خواهند بود.

درکل با جمع‌بندی ادبیات تجربی متعدد در زمینه تعهد زناشویی و ازدواج‌های ماندگار حاکی از یک نتیجه‌گیری مشترک است که نه یک عامل، بلکه مجموعه‌ای از عوامل موجب تعهد و ماندگاری ازدواج می‌شوند. همان‌طور که در بالا مشاهده می‌کنید نتایج این پژوهش با بسیاری تحقیقات دیگر خارجی همسو بود. ولی بعضی یافته‌ها این تحقیق با وجود اینکه در تحقیقات خارجی نیز به آن‌ها اشاره شده ولی نقش قوی‌تری در جامعه ما دارد. یکی از این نتایج، الگوگیری و تجاربی است که فرد در خانواده اصلی خود کسب می‌کند. در کشور ما خانواده نقش بسیاری قوی دارد و سال‌های طولانی فرزندان را در خود جای می‌دهد و باعث رشد و یا تضعیف مهارت‌های ارتباطی و همچنین شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و شناخت‌های آن‌ها در مورد ازدواج، انسان‌ها و روابط متعهدانه می‌شود.

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است، مطلوبیت، رضایت، خشنودی و کیفیت و کارکرد بهینه خانواده اصلی عامل تأثیرگذار بر رشد، شکوفایی و پیشرفت اعضای خانواده است. در واقع چنان چه فرد از سلامت خانواده اصلی بهره‌مند باشد، انتظار می‌رود که در زندگی زناشویی خود به توقعات و

نیازهای همسرش توجه کند و به گونه‌ای همدلانه با همسرش تعامل کند (حسینی، نظری، رسولی، شاکری و حسینی، ۱۳۹۳). همچنین الگوهای ارتباطی در خانواده اصلی مانند چگونگی تعامل بین اعضای خانواده، برای رسیدن به عقاید مشترک و نحوه اتخاذ تصمیمات توسط اعضای خانواده، مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده، بر سازگاری فرزندان در روابط آینده و موقعیت‌های دیگر، بیرون از خانواده اصلی اثرگذار است. وقتی در خانواده اصلی شرایطی وجود دارد که در آن اعضای خانواده تشویق به شرکت آزادانه در تعامل، تصمیم‌گیری بدون ترس، اگر اشتباهی کنند، آن را می‌پذیرند، بالطبع فرزندان آن‌ها نیز از طرق الگوگیری و تأثیری که این محیط خانوادگی بر باورها و شناخت‌های اعضای خانواده می‌گذارند می‌توانند روابط زناشویی متعهدانه و رضایت‌بخشی را تجربه کنند (آماتو، ۲۰۰۰).

الگوهای والدینی تأثیر زیادی بر تعهد و باور به تعهد زناشویی در زوج‌ها دارد. اکثریت شرکت‌کنندگان والدینشان را به عنوان منبعی که تعهد را از آن‌ها یاد گرفته‌اند، نامبرده‌اند. این الگوهای مثبتی که زوج‌ها از والدینشان یاد می‌گیرند به درک این که آن‌ها چگونه با موقعیت‌های دشوار زندگی مواجهه شوند، کمک می‌کند. بعضی از زوج‌ها عنوان می‌کردند که علیرغم وجود بحث یا مخالفت در بعضی از حوزه‌ها، والدینمان هنوز به هم متعهد می‌ماندند. از طرف دیگر از موضوعاتی که زوج‌ها در مصاحبه‌ها به آن اشاره کردند، وجود الگوهای منفی درباره تعهد بود. این یافته از مصاحبه‌ها نیز خیلی عجیب و غیرمنتظره بود. زوج‌ها در مصاحبه عنوان می‌کردند که مشاهده بعضی رفتارهای نادرست والدینم و بخصوص طلاق و رفتارهای نادرست در بعضی دوستان نزدیک، به درک اینکه در رابطه زناشویی خود چه رفتارهای را باید انجام دهیم و از چه رفتارهای پرهیز نماییم، کمک کرد. چیزهای زیادی می‌توان از الگوهای منفی تعهد یاد گرفت؛ اهمیت داشتن ارتباط مناسب با همسر، وفادار ماندن، و در اولویت قرار دادن نیازهای همسر.

دیگریافته‌ای که علیرغم اشاره به آن در تحقیقات خارجی، اعتقادات و ارزش‌های

معنوی و مذهبی است. جامعه ما یک جامعه مذهبی است و این مسئله را می‌توان در تمام ارزش‌ها، باورهای افراد جامعه مشاهده کرد. محققان معتقدند نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی‌ها می‌تواند زندگی زناشویی را متأثر سازد (خدایاری فرد، شهابی، اکبری زردخانه، ۱۳۸۶). این که افراد به ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر، وفاداری و تعهد به همسررا، چگونگی بر مبنای مذهب تفسیر می‌نمایند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد (ماهونی، ۲۰۰۵). یکی از دلایلی که نشان می‌دهد مذهب و نگرش‌های مذهبی و معنوی می‌تواند دیدگاه فکری زوج‌ها را تحت تأثیر قرار دهد این است که، احتمال اینکه افراد مذهبی تر ازدواج خود را دارای کیفیتی معنوی ببینند، بیشتر است. بدین معنی که غالباً چنین تصور می‌کنند که ازدواج آن‌ها محتوی معنوی دارند.

منابع

- ثنایی ذاکر، ب؛ و همکاران. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت.
- چپانه، ج. (۱۳۸۶). *رابطه میزان تطابق هیجان خواهی با رضایت زناشویی زوجین شهر اشنویه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- حسینی، م؛ نظری، ع؛ رسولی، م؛ شاکرمی، م؛ حسینی، م. (۱۳۹۳). *رابطه سلامت خانواده اصلی با صمیمیت زناشویی: بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده*. مجله اندیشه و رفتار، ۸ (۳۲)، ۳۷-۵۶.
- خدایاری فرد، م؛ شهابی، ر؛ اکبری زردخانه، س. (۱۳۸۶). *رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متاهل*. فصلنامه خانواده پژوهی، ۳ (۱۰)، ۶۱۱-۶۲۰.
- سلیمانیان، ع؛ نوایی نژاد، ش. (۱۳۷۳). *بررسی تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی و نارضایتی زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سید محرمی، ا؛ قنبری هاشم‌آبادی، ب و اصغری ابراهیم‌آبادی، م. (۱۳۹۴). *تأثیر مشاوره گروهی راه‌حل‌مدار بر عملکرد خانواده و رضایت زناشویی زنان*. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، ۵ (۱)، ۲۳-۲۴.
- حسینی، م؛ فتحی آشتیانی، ع. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه‌ی بین رضایت‌مندی زناشویی و مدت‌زمان ازدواج در میان*

- دانش پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. *مجله روانشناسی و دین*، ۱۲، ۱۲۷-۱۴۴.
- عامری، ف. (۱۳۸۱). *بررسی تأثیر مداخلات خانواده‌درمانی راهبردی در اختلافات زناشویی*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
 - عباسی مولید، ح. (۱۳۸۸). *بررسی تأثیر آموزش گروهی واقعیت‌درمانی بر تعهد زناشویی زوجین شهرستان خمینی شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
 - کاظمی پور، ش. (۱۳۸۸). *سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی*. فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳(۲)، ۷۵-۹۵.
 - لیندلف، ت و تیلور، ب. (۲۰۰۹). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*. ترجمه: عبدالله گیویان (۱۳۸۸). تهران: نشر همشهری.
 - مهدویان، ف. (۱۳۸۶). *بررسی تأثیر آموزش و ارتباط بر رضایت‌مندی زناشویی و سلامت روانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
 - هومن، ح. (۱۳۹۳). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات سمت.
- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177-1196.
 - Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1999). Do attitudes toward divorce affect marital quality? *Journal of Family Issues*, 20(1), 69-86.
 - Amato, P. R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of marriage and family*, 62(4), 1269-1287.
 - Arriaga, X. B., Reed, J. T., Goodfriend, W., & Agnew, C. R. (2006). Relationship perceptions and persistence: Do fluctuations in perceived partner commitment undermine dating relationships? *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 1045-1065.
 - Arriaga, X. B., & Agnew, C. R. (2001). Being committed: Affective, cognitive, and conative components of relationship commitment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27(9), 1190-1203.
 - Appleton, C., & Bohm, E. (2001). Partners in passage: The experience of marriage in mid-life. *Journal of Phenomenological Psychology*, 32(1), 41-70.
 - Brandeau-Brown, F. E., & Ragsdale, J. D. (2005). Two cultures: A gendered approach to commitment and relational repair in marriage. *Intercultural Communication Studies*, 14(3), 233.
 - Braaten, E. B., & Rosén, L. A. (1998). Development and validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce & Remarriage*, 29(3-4), 83-91.
 - Canary, D. J., & Stafford, L. (1992). Relational maintenance strategies and equity in marriage. *Communications Monographs*, 59(3), 243-267.
 - Chapman, G. D. (2010). *The 5 Love Languages/Things I Wish I'd known before We Got Married Set*. Moody Publishers.
 - Cherlin, A. J., Scabini, E., & Rossi, G. (1997). Delayed home leaving in Europe and the United States. *Journal of Family Issues*, 18, 572-575.

- Coy, T. (2010). *Maintaining a Satisfying Marriage: A Narrative Analysis of Communication Skills, Stories, and Meanings in Marriage Education* (Doctoral dissertation, University of Houston).
- Eggerich, E. (2004). *Love and respect: The love she most desires, the respect he desperately needs*. Colorado Springs, CO: Integrity Publishers.
- Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115.
- Finkenauer, C., Engels, R. C., Branje, S. J., & Meeus, W. (2004). Disclosure and relationship satisfaction in families. *Journal of Marriage and Family*, 66(1), 195-209.
- González, R., & Hernández, J. A. (2009). Play context, commitment and dating violence. *A structural equation model. Journal of Interpersonal Violence*, 34(9), 1518-1535.
- Goodfriend, W., & Agnew, C. R. (2008). Sunken costs and desired plans: Examining different types of investments in close relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34(12), 1639-1652.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 62(3), 737-745.
- Gottman, J. M. & Gottman, J. S. (2006). *10 lessons to transform your marriage*. New York: Three Rivers Press.
- Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse education today*, 24(2), 105-112.
- Harmon, D. K. H. (2005). *Black men and marriage: The impact of spirituality, religiosity and marital commitment on marital satisfaction* (Doctoral dissertation, PhD Thesis]: Tuscaloosa, Alabama University).
- Holloway, I., & Wheeler, S. (2013). *Qualitative research in nursing and healthcare*. John Wiley & Sons.
- Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The Utility of Family Life Cycle as a Theoretical and Empirical Tool Commitment and Family Life-Cycle Stage. *Journal of Family Issues*, 24(2), 155-184.
- Kaslow, F., & Robison, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *American Journal of Family Therapy*, 24(2), 153-170.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2008). The Threefold Cord Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*, 29(5), 592-614.
- Le, B., Korn, M. S., Crockett, E. E., & Loving, T. J. (2011). Missing you maintains us: Missing a romantic partner, commitment, relationship maintenance, and physical infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 28(5), 653-667.
- Mahoney, A. (2005). Religion and Conflict in Marital and Parent-Child Relationships. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
- Marston, P. J., Hecht, M. L., Manke, M. L., McDaniel, S., & Reeder, H. (1998). The subjective experience of intimacy, passion, and commitment in heterosexual loving relationships. *Personal Relationships*, 5(1), 15-30.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model

- with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11(3), 614-628.
- Forman, J., & Damschroder, L. (2007). Qualitative content analysis. In *Empirical methods for bioethics: A primer* (pp. 39-62). Emerald Group Publishing Limited.
 - Maxwell, J. A. (2012). *Qualitative research design: An interactive approach* (Vol. 41). Sage publications.
 - Montgomery, B. M. (1981). The form and function of quality communication in marriage. *Family Relations*, 21-30.
 - Nimtz, M. A. (2011). *Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study* (Doctoral dissertation, Liberty University).
 - Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of family therapy*, 22(2), 144-167.
 - Stanley, S. M. (2005). *The power of commitment*. San Francisco: Jossey-Bass.
 - Sibley, D. S. (2010). *An exploration of the construction of commitment leading to marriage* (Doctoral dissertation, Southern Utah University).
 - Tallman, I., & Hsiao, Y. L. (2004). Resources, cooperation, and problem solving in early marriage. *Social Psychology Quarterly*, 67(2), 172-188.
 - Tilghman-Osborne, C., Cole, D. A., Felton, J. W., & Ciesla, J. A. (2008). Relation of guilt, shame, behavioral and characterological self-blame to depressive symptoms in adolescents over time. *Journal of social and clinical psychology*, 27(8), 809-842.
 - VanDenBerghe, E. (2000). The enduring, happy marriage: Findings and implications from research. *Strengthening our families*, 16-28.
 - Wallerstein, J. S., & Blakeslee, S. (1995). *The good marriage: How and why love lasts*. Houghton Mifflin.
 - Welch, B. L., & Johnson, C. A. (2003). Utah marriage movement statewide baseline survey: Technical report and results (Bureau for Social Research, Oklahoma State University). *Stillwater, OK: Bureau for Social Research*.
 - Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S. (2002). Investigating the behavioral indicators of relational commitment. *Journal of Social and Personal Relationships*, 19(3), 403-423.
 - Weigel, D. J., Bennett, K. K., & Ballard-Reisch, D. S. (2003). Family influences on commitment: Examining the family of origin correlates of relationship commitment attitudes. *Personal Relationships*, 10(4), 453-474.
 - Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S. (2012). Constructing commitment in intimate relationships: Mapping interdependence in the everyday expressions of commitment. *Communication Research*, 19(3), 403-423.